اخبار

بیانیه اساتید حوزه و دانشگاه درباره ضرورت مدیریت فضای مجازی

جمعی از اساتید و فضلای حوزه و دانشگاه طی بیانیه‌ای خطاب به مسؤولان کشور خواستار اعمال مدیریت صحیح در فضای مجازی شدند. به گزارش تسنیم، جمعی از اساتید و فضلای حوزه و دانشگاه طی بیانیه‌ای خطاب به مسؤولان کشور خواستار تدبیر و اتخاذ تصمیمات صحیح برای حراست از حریم اخلاقی و ارزشی در فضای مجازی شده و نسبت به اقدامات ضدامنیتی توسط برخی شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی هشدار دادند. در بخشی از این بیانیه آمده است: از مسؤولان اجرایی، انتظار است که در بیانات خود، بیشتر دقت کرده و اسیر فضاسازی و توجیهات غربزدگان و بیگانگان نشوند و حق ملت در استفاده امن، سریع و پاک از فضای مجازی را به رسمیت شناخته و بسترهای داخلی آن را مهیا کنند. جنگ رسانه‌ای و سایبری، واقعیتی است که باید ملت از عوارض آن مصون شوند. تجربه ثابت کرده است که اگر ما به جوانان غیور این کشور اعتماد کنیم و اهل کار و ابتکار باشیم می‌توانیم تهدیدهای دشمن را به فرصت تبدیل کنیم و موقعیت خود را در منطقه و جهان، تثبیت کنیم. در بخش دیگری از این بیانیه تاکید شده است: از قوه‌قضائیه و نیروهای امنیتی و انتظامی، انتظار است که در راستای پاسداشت و حفاظت از مضامین شرع و قانون اساسی و منافع ملی، ضمن محاکمه عوامل مخرب فرهنگ، اقتصاد و امنیت مردم در فضای مجازی، عاملین و مسببین وضعیت فعلی را نیز مورد بازخواست و محاکمه قرار دهند؛ همچنین نسبت به وظایف پیشگیرانه خود نیز به صورت جدی‌تری وارد عمل شده و از طریق برنامه جامع پیشگیری و مدیریت فضای مجازی، تکلیف خود را به سرانجام برسانند.

■■■

مشکلات با مدیریت جهادی حل می‌شود

رئیس اسبق صداوسیما گفت: ایران بازار ۶۰۰ میلیون نفری دارد که اگر با روحیه جهادی مدیریت کنیم، مشکلات حل خواهد شد. به گزارش تسنیم، سیدعزت‌الله ضرغامی با حضور در برنامه پارک شهر رادیو تهران درباره آخرین تحولات کشور گفت: ما ۱۵ همسایه داریم که بخشی از آن دریایی و زمینی است. موقعیت ما موقعیت استثنایی است. رهبری در گام دوم بیان کردند ایران بازار ۶۰۰ میلیون نفری دارد که اطراف خودمان داریم که اگر درست برنامه‌ریزی کنیم، مشکلی نداریم. فقط یک مقدار همت و روحیه انقلابی و جهادی می‌خواهد. ما در دوران جنگ چطور کشور را اداره می‌کردیم. باید آرایش جنگی داشته باشیم، هیچ مشکلی در تهدیدات نداریم. بلکه فرصت خوبی فراهم است تا کشور را جلو ببریم. وی همچنین در واکنش به اظهارات اخیر عراقچی بیان کرد: زمانی مهاجرها را با ترکیه مقایسه می‌کنند، اگر ترکیه آوارگان سوریه را پناه می‌دهد، از این بابت چند یورو از اروپا می‌گیرد و آنها نگران هستند که اگر ترکیه نباشد این آوارگان به سمت اروپا می‌روند. اگر این مقایسه را با عزیزان افغان کنیم درست نیست. آنها پاک و دوست‌داشتنی و متدین هستند. ما سال‌ها است با اینها زندگی می‌کنیم. نقش لشکر فاطمیون مهم‌ترین نقش در آرامش منطقه است. یکی از عوامل مهم در آرامش منطقه فاطمیون است. خانواده‌ها و شهدای آنها جایگاه ویژه‌ای دارند. رهبری می‌گویند من حقیر به وجود شما افتخار می‌کنم.

■■■

نشست مشترک مجلس و قوه‌قضائیه برگزار می‌شود

نمایندگان مجلس شورای اسلامی عصر امروز با رئیس و مسؤولان قوه‌قضائیه دیدار می‌کنند. به گزارش مهر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دعوت آیت‌الله رئیسی در محل قوه‌قضائیه با رئیس و مسؤولان قوه‌قضائیه دیدار و گفت‌وگو خواهند کرد. در این دیدار رئیس قوه‌قضائیه گزارشی از برنامه‌های خود ارائه خواهد داد و نمایندگان نیز نقطه نظرات خود را بیان می‌کنند.

■■■

برگزاری جلسه مجلس با حضور سردار سلامی

عضو هیات رئیسه مجلس گفت: فرمانده کل سپاه پاسداران روز یکشنبه(امروز) در جلسه غیرعلنی مجلس حضور می‌یابد. امیرحسین قاضی‌زاده در گفت‌وگو با مهر، از حضور فرمانده جدید سپاه در مجلس خبر داد و گفت: سردار سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران یکشنبه(امروز) در جلسه غیرعلنی مجلس حضور خواهد یافت. وی اظهار داشت: با توجه به آغاز کار سردار سلامی در سمت فرماندهی کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، او در جلسه غیرعلنی گزارشی از برنامه‌های خود را در سپاه پاسداران ارائه خواهد کرد.

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد؛ چرا تلاش‌های جریان اصلاحات برای برجسته‌سازی خطر جنگ و ترساندن مردم اعتباری در جامعه و سطوح تصمیم‌گیری نظام ندارد؟

جنگ سوخته

گروه سیاسی: حسن روحانی چهارشنبه هفته گذشته رویکرد جدید دولت ایران در قبال برجام را اعلام کرد. ایران وارد مرحله مقابله استراتژیک با آمریکا و اروپا در برجام شده است.

به گزارش «وطن‌امروز»، یک سال پس از خروج آمریکا از برجام و بعد از تعلل و بی‌میلی اروپا برای اجرای تعهدات برجامی، ایران در نخستین گام یک هشدار جدی به غرب داده است. اگرچه با تحریم‌های اخیر آمریکا، خرید اورانیوم غنی شده و ذخایر آب سنگین ایران برای سایر کشورها ممنوع شده ولی حسن روحانی چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد دولت او تصمیم گرفته ذخایر اورانیوم با غنای ۳/۶۷ و همین‌طور ذخایر آب سنگین خود را از کشور خارج نکند. روحانی همچنین یک ضرب‌الاجل ۶۰ روزه برای ۱+۴ (یا در واقع همان اروپا) مشخص و تهدید کرد در صورت تداوم رویه فعلی و عدم اجرای تعهدات برجامی از سوی این کشورها، ایران گام دوم در راهبرد خروج از برجام را خواهد برداشت. گام دوم، افزایش سطح غنی‌سازی ایران (بیشتر از ۳/۶۷) و تکمیل راکتور اراک خواهد بود. واکنش عصبی اتحادیه اروپایی به این اقدام ایران نشان داد ایران حالا ۶ سال پس از آغاز به کار دولت روحانی، در حوزه سیاست خارجی تغییر ریل داده و راهبرد اقتدارگرایی یا همان واقع‌گرایی را جایگزین تعامل ساده‌انگارانه کرده است.

در مقابل این راهبرد ایران، آمریکا و دوستانش تلاش می‌کنند خطر جنگ را برجسته کنند. در واقع آنها تصور می‌کنند با برجسته‌سازی خطر جنگ، می‌توانند شرایط مطلوب خود در ایران را محقق سازند. پس از خروج آمریکا از برجام، جریان منتقد شیوه دیپلماسی دولت روحانی بارها این واقعیت را گوشزد کرد که یک تقسیم کار بسیار هوشمندانه میان ۲ سوی آتلانتیک برای تضعیف ایران در دستور کار آمریکا و اروپا قرار گرفته است. اما این تقسیم کار چه بود؟ آمریکا در دولت اوباما به همراه ۳ کشور اروپایی با نشان دادن رویکرد تعاملی، دولت غربگرای حسن روحانی را به این باور رساندند که از طریق عقب‌نشینی و تعطیلی بخش عمده‌ای از برنامه هسته‌ای ایران، می‌توانند جایی در معادلات سیاسی آنها پیدا کرده و زمینه را برای آغاز برخی تغییرات اقتصادی آن هم به اسم خودشان در ایران فراهم کنند. پس از امضای برجام اما تصور ساده‌انگارانه تعهد غرب به برجام تا حدودی رنگ باخت و نه آمریکا و نه اروپا تمایلی برای اجرای تعهدات خود در برجام نشان ندادند. با این حال پای دولت ایران در دام برجام گیر کرد و با وجود بدعهدی آمریکا و تروئیکای اروپایی، اما دولت روحانی همچنان ناچار به اجرای تعهدات خود در برجام بود. ایران در عالی‌ترین سطوح بارها اعلام کرد در صورت وفای آمریکا و اروپا به تعهدات‌شان در برجام، تهران آماده است در سایر موضوعات نیز وارد مذاکره با غرب و آمریکا شود اما در همان نسخه آزمایشی یعنی برجام، آمریکا و اروپا به گفته علی‌اکبر صالحی «دبه» درآوردند و هرگونه راهی را برای انجام مذاکرات بیشتر بستند. با خروج اوباما از کاخ سفید، دونالد ترامپ راهبرد هیات حاکمه آمریکا علیه ایران را وارد فاز تشدید فشار کرد. آمریکا به صورت یکجانبه از برجام خارج شد و یک فهرست شروط دوازده‌گانه برای انجام مذاکره را پیش روی ایران نهاد؛ فهرستی که ماهیت آن مقابله با مذاکره و بستن هر نوع دریچه گفت‌وگو بود. در این میان اروپا صرفا به صدور بیانیه بسنده کرد و در عمل نیز تمام تحریم‌های بازگردانده شده آمریکا را اجرا کرد تا مشخص شود قاره پیر، ماهیت مستقلی از قاره جوان ندارد. بر همین اساس جریان منتقد دیپلماسی منفعلانه دولت روحانی بارها هشدار داد که برای آمریکا و اروپا مطلوب این است که آمریکا با خروج از برجام، فشارها علیه ایران را تشدید کرده و بر طبل برخورد نظامی بکوبد و اروپا نیز با وعده و نیز برجسته‌سازی خطر جنگ، ایران را متقاعد به ماندن در برجام کند. تداوم این وضعیت، یعنی آنچه از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ رخ داد برای آمریکا و تروئیکای اروپایی کاملا مطلوب بود، چراکه از یک سو برنامه هسته‌ای ایران تعطیل مانده بود و از سوی دیگر بدون ذره‌ای گشایش اقتصادی، فشارها بر ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر (خلع برنامه دفاع موشکی) افزایش یافته بود. تداوم این وضعیت برای جمهوری اسلامی ایران بسیار پرهزینه و بدون فایده بود. اگرچه پس از خروج آمریکا از برجام، دیپلماسی ساده‌انگار بنای اقدامات خود را بر اعتماد و خوش‌بینی به اروپا قرار داده بود ولی به مرور با افتادن نقاب از چهره اروپا و آشکار شدن عدم تمایل این کشورها به اجرای تعهدات‌شان در برجام، در تهران این برآورد ایجاد شد که صبر استراتژیک جای خود را به «تقابل استراتژیک» بدهد. به عبارتی، ایران به این نتیجه رسید که هزینه‌های اقدامات آمریکا و اروپا را افزایش دهد؛ ایران راهبرد اقتدارگرایی را در دستور کار قرار داد تا این بار به جای دیپلماسی اعتماد به غرب، اقتدارگرایی متکی به درون کشور را در دستور کار خود قرار دهد. بر همین اساس ایران رویکرد خروج تدریجی از برجام را در دستور کار قرار داد و دولت روحانی چهارشنبه هفته گذشته گام‌های اول و دوم این رویکرد تقابلی را رونمایی کرد. بر همین اساس تغییر ریل ایران در سیاست مواجهه با غرب کاملا آشکار است. بر همین اساس در چنین شرایطی برخی تلاش‌های جریان اصلاحات برای برجسته‌سازی خطر جنگ نه‌تنها بی‌فایده است و تاثیری در سطوح عالیه تصمیم‌گیری نظام ندارد، بلکه بیشتر به دست و پا زدن‌های آخر برای بقا شبیه است.

بازگشت به اورانیوم یعنی چه؟

رویکرد اعلامی جدید دولت روحانی در موضوع برجام به وضوح نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن است ضمن استحکام قوای داخلی خود، هزینه اقدامات ضدایرانی آمریکا و اروپا را (که تا الان در دولت روحانی نزدیک به صفر بوده است) افزایش دهد. اگر با دقت به محتوای اقداماتی که ایران در گام اول انجام داده و همین‌طور اقداماتی که در گام دوم به دنبال آن است؛ توجه شود؛ بخوبی می‌توان عصبانیت اروپا از این رویکرد جدید ایران و این تغییر ریل را فهمید. ایران درگام نخست به دنبال آن است ذخایر اورانیوم خود را در داخل کشور نگه داشته و از آنها به عنوان یک پشتوانه اقتدار و امنیت استفاده کند. در گام دوم دولت روحانی می‌خواهد سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۳/۶۷ فراتر برده و راکتور آب سنگین اراک را نیز تکمیل کند. به عبارتی ایران به صورت موازی و همزمان به دنبال آن است ظرفیت‌های اورانیومی و پلوتونیومی خود را که بر اساس ان‌پی‌تی، جزو حقوق مصرح ایران است؛ در اختیار داشته باشد. ایران بارها اعلام کرده است برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و بر اساس حقوق بین‌المللی آن را دنبال می‌کند. فتوای رهبر انقلاب در حرمت سلاح هسته‌ای نیز مشروعیت استفاده صلح‌آمیز ایران از برنامه هسته‌ای را تامین کرده است. در این میان اما آمریکا و ۳ کشور اروپایی مدعی بودند چون ظرفیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و نیز ظرفیت راکتور آب سنگین اراک ممکن است در برنامه غیرصلح‌آمیز مورد استفاده قرار بگیرد، پس ایران صلاحیت برخورداری از این دانش را ندارد. اکنون ایران در همان مسیری

قرار گرفته که اگرچه طبق قانون حق مصرح تهران است اما برای غرب غیر قابل قبول است. از این رو چه از زاویه افزایش هزینه‌ها به این اقدام ایران توجه شود و چه از زاویه تامین امنیت و اقتدار در مقابل هر نوع تهدید، به این راهبرد جدید ایران فکر شود؛ در هر حالت ورود ایران به این گام جدید نشان می‌دهد برآورد واقع‌بینانه‌ای در سطوح عالیه جمهوری اسلامی درباره وضعیت فعلی وجود دارد. برآوردی که می‌گوید در مقابل هر نوع تهدید، چه آرایش جنگی اقتصادی و سیاسی باشد چه آرایش جنگ نظامی، باید به جای تکیه به کشورهای مولد تهدید و عقب‌نشینی از حقوق ملی، وارد فاز اقتدار شد. بنابراین رویکرد جدید دولت روحانی، بازگشت به اورانیوم است. یعنی تقویت قوای داخلی که هم هزینه دشمنی با ملت ایران را کاهش می‌دهد و هم احتمال هر نوع درگیری نظامی را بشدت از بین می‌برد. در چنین شرایطی، تلاش برای ایجاد دوگانه جنگ / صلح، یک اقدام بی‌فایده است و قطعا جایی در تصمیم‌گیری‌های نظام ندارد، چراکه یک تجربه تلخ شکست ۶ ساله پیش روی همه ما است.

صدای آمریکا توقیف شد

هفته‌نامه «صدا» ارگان حزب اتحاد ملت توقیف شد. به گزارش فارس، شعبه ۴ دادسرای فرهنگ و رسانه توقیف هفته‌نامه صدا را ابلاغ کرد. عصر دیروز طی تماسی از شعبه ۴ دادسرای فرهنگ و رسانه با مدیران هفته‌نامه صدا، توقیف این هفته‌نامه اصلاح‌طلب ابلاغ شد. هفته‌نامه صدا در شماره آخر خود با انتشار تصویری بزرگ از ناوهای آمریکایی همصدا با رسانه‌های آمریکایی، خطر حمله نظامی آمریکا به ایران را مطرح و بزرگنمایی کرده بود.

از ملت رانده از ترامپ مانده!

یک دیالوگ معروف در انتهای فصل چهارم نسخه آمریکایی سریال House of Cards هست که شاید برای شروع این نوشته مناسب باشد. دیالوگی که نقل به مضمون می‌گوید: «وقتی تلاش‌ها برای کسب محبوبیت بی‌فایده است، باید دست به دامان ترس شد». حالا گویا جریان اصلاحات تنها امیدش برای کم کردن هزینه‌های شکست برجام و اضمحلال رویکرد غرب‌گرایی دولت روحانی، توسل به کلک قدیمی ترساندن مردم از دشمن است. اما آنها خودشان بیشتر از دیگران می‌دانند که با ۳ مشکل بزرگ مواجهند. ابتدا اینکه در ساختار تصمیم‌گیری نظام درباره نحوه تقابل با وضعیت فعلی، جریان اصلاحات یک جریان قابل اعتماد یا اصطلاحا یک جریان خودی به حساب نمی‌آید و رویکرد جدید روحانی برای خروج مرحله‌ای از برجام نیز نشان داده او نیز با سرعت بسیار زیاد در حال فاصله گرفتن از اصلاح‌طلبان است. مشکل دوم اصلاح‌طلبان این است که آنها نزد مردم نیز اندک آبرو و اعتباری ندارند. چه اینکه حالا جامعه ایرانی، اصلاح‌طلبان را مسبب بخش بزرگی از وضعیت نابسامان اقتصادی کشور می‌داند. از قضا، افکار عمومی ایران، نسخه بی‌فایده و اشتباهی برجام و مذاکره و کرنش در مقابل غرب را عامل وضعیت فعلی می‌داند. بنابراین دوگانه‌سازی جنگ و صلح، آن هم از سوی جریانی که تشت برجام آنها از بام افتاده، توفیق چندانی در جلب توجه عمومی ندارد. سومین مشکل اصلاح‌طلبان اما بسیار جالب‌تر از ۲ مشکل دیگر است. مشکل بزرگ‌تر آنها این است که در کاخ سفید اصطلاحا کسی روی آنها حساب باز نکرده است. راهبرد دولت آمریکا علیه ایران، بر پایه به پیش بردن همزمان یک جنگ سخت اقتصادی و یک جنگ نرم سیاسی و فرهنگی قرار داده شده است. در هیچکدام از این ۲ حوزه، دولت ترامپ نقشی برای جریان غرب‌گرای داخلی قائل نشده است. در این راهبرد، ترامپ مجموعه‌ای از اپوزیسیون ایران از جمله منافقین، سلطنت‌طلب‌ها، مارکسیست‌ها، گروه‌های تروریستی در شرق و غرب ایران، تجزیه‌طلب‌ها و همینطور برخی پادوهای رسانه‌ای و سیاسی را در قالب یک شبکه گرد آورده تا در کنار فشار تحریم‌های اقتصادی این شبکه را برای تشدید جنگ نرم علیه ایران به‌کار گیرد. ترامپ طی بیش از ۲ سال گذشته بارها نشان داده است هیچ اعتنایی به جریان غرب‌گرای داخل ایران ندارد. امثال امیرعباس فخرآور و مسیح علینژاد گاه و بیگاه به درگاه پمپئو رفت و آمد دارند اما جالب اینکه در بارگاه ترامپ برای جریان غرب‌گرای داخل ایران اصطلاحا تره هم خرد نمی‌شود. شاید آستانه دردناکی این ماجرا آنجا باشد که در راهبرد ترامپ دلقک‌هایی مانند روح‌الله زم نیز مورد توجه هستند اما سران جریان اصلاح‌طلب اساسا موضوعیت ندارند. بر همین اساس حتی اگر همزمان و همزبان با جان بولتون، خطر جنگ آمریکا را برجسته‌نمایی کنند و ملیت خود را فراموش کنند، در آمریکا کسی اعتنایی نخواهد کرد.

وزیر ارشاد دولت دهم در گفت‌وگو با «وطن‌امروز»:

افرادی در دولت به شایعه جنگ دامن می‌زنند

گروه سیاسی: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دهم و فعال سیاسی معتقد است قوه‌قضائیه باید با عوامل ستون پنجم دشمن در رسانه‌های اصلاح‌طلب که به جنگ و حمله نظامی آمریکا دامن زده و امنیت ملی و اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهند، برخورد جدی کند. سیدمحمد حسینی همچنین معتقد است افراد و جریاناتی در داخل دولت نیز به دوگانه دروغ جنگ- مذاکره دامن می‌زنند. صحبت‌های این فعال سیاسی با «وطن‌امروز» را در ادامه می‌خوانید.

***

جریان غرب‌گرا در داخل کشور همواره زمینه‌ساز امتیازگیری بیشتر آمریکا و اروپا از ایران بوده است. درباره مسائل اخیر نیز شبح جنگ و خطر حمله نظامی را به دروغ مطرح می‌کنند و به آن دامن می‌زنند تا نظام کوتاه بیاید. در دوران کنونی جمهوری اسلامی از اقتدار نظامی بالایی برخوردار است و همه دشمنان ما نیز به این واقعیت اذعان دارند به همین خاطر نیز آمریکا هرگز ریسک حمله به ایران را نخواهد پذیرفت. در سال‌های اخیر ما تجربه تلخ برجام و مذاکره با آمریکا را داشتیم که در آن زمان نیز همین نشریه صدا و سایر رسانه‌های موسوم به اصلاح‌طلب و اعتدالی مژده می‌دادند اگر ایران تابوی مذاکره با آمریکا را بشکند، مشکلات اقتصادی مردم حل می‌شود و بسیاری از ادعاهای دیگر. امروز نیز با وجود این تجربه شکست‌خورده تلاش می‌کنند مسؤولان و بویژه افکار عمومی را به این سمت خط‌دهی کنند که چاره‌ای جز مذاکره با آمریکا نداریم. هر چند این پروژه از چند ماه پیش کلید خورد و رهبر فرزانه انقلاب نیز در واکنش به آن فرمودند: «نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ خواهد شد». واقعیات میدانی در منطقه و در جهان نیز موید این گزاره است که اساسا جنگ در شرایط فعلی موضوعیتی ندارد. اینکه شما می‌بینید آمریکا در ماجرای ونزوئلا ورود نظامی نداشته و سعی می‌کند از طریق عوامل حامی خود در آن کشور کنترل اوضاع را به دست بگیرد نشان‌دهنده این واقعیت است که جنگ در اولویت‌های هیأت حاکمه فعلی آمریکا جایگاهی ندارد. در سایر مناطق نیز رویکرد آمریکا همین است حالا چه برسد به جمهوری اسلامی ایران که در اوج توان دفاعی و نظامی قرار دارد و مملو از نیروهای مومن و شهادت‌طلب است. با همه اینها گویا عده‌ای در داخل کشور ماموریت دارند برای مردم دلهره و اضطراب ایجاد کنند. به نظرم با این نوع افراد باید برخورد کرد، چرا که این موضوع دیگر به اختلاف سلیقه سیاسی یا آزادی اندیشه و... بازنمی‌گردد بلکه موضوعاتی است که امنیت کشور را خدشه‌دار می‌کند و علاوه بر آن به‌واسطه تلاطم‌هایی که در بازار درست می‌کند، تبعات اقتصادی نیز برای کشور و مردم به دنبال خواهد داشت. از این جهت معتقدم با افراد و جریاناتی که تا این حد با اهداف و پروژه‌های غربی‌ها علیه ایران همراهی می‌کنند، باید برخورد جدی صورت گیرد. در موضوع برخورد با عوامل رسانه‌ای دشمن در ایران، در وهله نخست باید هیات نظارت بر مطبوعات واکنش جدی نشان دهد و اعلام کند همصدایی با آمریکایی‌ها هزینه دارد. اما در شرایط فعلی چون در دولت عزم و اراده‌ای برای چنین موضوعی وجود ندارد و حتی افرادی در داخل دولت به این قبیل موضوعات دامن می‌زنند، دستگاه قضایی باید وارد عمل شده و با کسانی که در شرایط فعلی کشور در نقش ستون پنجم، حرف دشمنان را تکرار می‌کنند و افکار عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهند برخورد جدی صورت دهد. نکته قابل توجه در این‌باره این است که درباره همصدایی برخی مطبوعات با دشمن دیگر نمی‌شود گفت مثلا آنها یک نگاه سیاسی متفاوت را مطرح کردند، چرا که مردم ما تجربه برجام را در چند سال اخیر دیده‌اند و دیگر نمی‌توان پذیرفت برخی‌ها با اهرم جنگ به دوقطبی‌ها دامن بزنند.

اخبار

اروپا در اجرای تعهداتش کوتاهی کرد

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی گفت: با وجود اجرای تعهدات از سوی ایران در برجام، اروپا فقط به موضع‌گیری سیاسی بسنده و در عملی کردن تعهدات خود کوتاهی کرد. به گزارش مهر، سیدکمال خرازی که برای شرکت در مجمع رهبران برای صلح به پاریس سفر کرده است، با «ماریل دو سارنز»، رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس ملی فرانسه ملاقات کرد. خرازی در این دیدار، در توضیح مواضع جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: مردم ایران نسبت به اروپا به دلیل اجرا نکردن تعهدات برجامی آنها و تبعیت از سیاست‌های تحریمی ترامپ و تن دادن به تصمیم‌های فراملیتی آمریکا بشدت بدبین هستند. وی افزود: جمهوری اسلامی ایران با صداقت مذاکره کرد و در نتیجه آن توافق هسته‌ای که مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل هم قرار گرفت، حاصل شد اما با وجود اجرای تعهدات از سوی ایران، اروپا فقط به موضع‌گیری سیاسی بسنده و در عملی کردن تعهدات خود کوتاهی کرد.

■■■

INSTEX یک سرگرمی برای فرصت‌سوزی بیشتر است

سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه معتقد است INSTEX به یک سرگرمی برای گذر زمان و فرصت‌سوزی بیشتر شباهت دارد تا یک راه‌حل دلگرم‌کننده برای حل مشکلات. سیدمحمدعلی حسینی در گفت‌وگو با فارس گفت: بیانیه مشترک نماینده ویژه اتحادیه اروپایی و وزرای خارجه ۳ کشور آلمان، انگلیس و فرانسه نشان می‌دهد اروپا به‌رغم ضعف و ناتوانی، همچنان عادت دارد در حالی که بر اساس شواهد و قرائن گوناگون در موضع بدهکار و متهم قرار دارد، از موضع مدعی و طلبکار وارد شود. سفیر پیشین ایران در ایتالیا یادآور شد: طی یک سالی که از خروج یکجانبه رژیم آمریکا از برجام گذشته، اروپا هیچ واکنش خاصی در مقابل آمریکا به عنوان طرف یاغی و شرور برجام؛ جز ابراز تأسف انجام نداده و بعضا با برخی رویکردهای ضدایرانی واشنگتن همنوایی نیز داشته است. وی افزود: آنان بدون آنکه در پاسخ به حسن‌نیت و پایبندی مسؤولانه ایران به تمام تعهداتش، به وظایف و تکالیف خود ذیل برجام عمل کنند، با تاخیر فراوان، از سازوکاری به نام INSTEX رونمایی کردند که به یک سرگرمی برای گذر زمان و فرصت‌سوزی بیشتر شباهت دارد تا یک راه‌حل دلگرم‌کننده برای حل مشکلات و رفع موانع. حسینی گفت: اینها همه در حالی است که از جمهوری اسلامی انتظار دارند حتی نسبت به جنازه برجام نیز پایبند و متعهد باقی بماند.

■■■

تبرئه هفته‌نامه ۹ دی از شکایت در موضوع پایان‌نامه حسن روحانی

هفته‌نامه ۹ دی از شکایت ریاست‌جمهوری در موضوع پایان‌نامه دکترای حسن روحانی تبرئه شد. هفته‌نامه ۹ دی طی ۶ شماره در تاریخ ۱۵ مهر ۹۶ تا ۴ آذر ۹۶ گزارشی را با عنوان «گزارش یک سرقت علمی، بررسی علمی اسناد به دست آمده در موضوع دکترای حسن روحانی» که انعکاس گوشه‌ای از یافته‌های گروه بررسی اصالت رساله دکترای آقای روحانی بود، منتشر کرد. این گزارش، حاصل تلاش جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان برترین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و خلاصه‌ای از صدها ساعت کار کارشناسی بود. به دنبال انتشار این گزارش، معاون حقوقی رئیس‌جمهور ضمن کذب دانستن مستندات ۹ دی، این گزارش را مصداق افترا و نشر اکاذیب دانست و از دادگاه ویژه روحانیت خواستار مجازات مدیر مسؤول این هفته‌نامه شد. با شکایت حسن روحانی، مدیر مسؤول هفته‌نامه ۹ دی از سال ۹۶ طی چند نوبت بازپرسی شد و در نهایت، دادگاه حمید رسایی بهمن‌ماه سال ۹۷ برگزار شد. در این دادگاه که بیش از ۳ ساعت به طول انجامید، مدیر مسؤول هفته‌نامه ۹ دی طی لایحه ۲۰۰ صفحه‌ای، با ارائه مستندات علمی و کار کارشناسی انجام شده توسط اساتید دانشگاه، به دفاع از مطالب منتشرشده درباره سرقت علمی و تقلب انجام شده در پایان‌نامه دکترای حسن روحانی پرداخت. در نهایت این دفاعیات، رأی تبرئه مدیر مسؤول ۹ دی توسط هیأت منصفه و قاضی دادگاه را به دنبال داشت. با وجود اعتراض ریاست‌جمهوری به رأی صادره و درخواست تجدیدنظر، مستشاران شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نیز در تاریخ ۱۲ اردیبهشت‌ماه جاری رای بدوی را تایید کردند. با توجه به رای دادگاه و تبرئه هفته‌نامه ۹دی در این پرونده، وقوع سرقت علمی در پایان‌نامه دکترا حسن روحانی قطعی شده است و اکنون از وزارت علوم، مجلس و نهادهای نظارتی انتظار می‌رود در این پرونده ورود کنند.